

چرایی تجلی قرآن در خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام؛ اهداف و نتایج

مهیار خانی مقدم^۱

چکیده

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی برجسته‌ترین دلایل، جنبه‌ها و نتایج تجلی آیات قرآن در خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام در شهرهای کوفه و شام می‌پردازد و این نتایج را به دست می‌دهد: ۱- استفاده از نقطه مشترک برای هدایت و اتمام حجت و نفی تبلیغات دستگاه اموی پیرامون خارجی دانستن امام حسین علیه السلام برجسته‌ترین دلایل تجلی قرآن در خطبه‌های آن حضرت بود. ۲- از جنبه‌های تجلی قرآن در خطبه‌های کوفه و شام می‌توان به نکوهش عهدشکنی، نقش اعمال در تعیین سرنوشت انسان، شباهت کوفیان و یهودیان، یادآوری سنت املاء و امهال به یزید و اشاره به اصل اختیار و تکلیف مداری اشاره کرد. ۳- برجسته‌ترین نتایج این تجلی نیز برملا شدن چهره منافقانه یزید و اطرافیان او، یادآوری مجدد شایستگی آل پیامبر صلی الله علیه و آله برای ولایت و حکومت و اصلاح نگرش و جهان بینی مردم بود.

کلیدواژه‌ها: خطبه زینب علیها السلام و قرآن، امویان، حضرت زینب علیها السلام، خطبه کوفه.

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین قم

andqurani.qom@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۶

مقدمه

بدون شک از تأثیرگذارترین علل ماندگاری اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بازخوانی واقعه عاشورا است. مهم‌ترین نقش در انتقال فرهنگ عاشورا، بر عهده حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام بوده، تأملی در جنبه‌های مختلف زندگانی آن حضرت می‌تواند سبک زندگی برگزیده‌ای را در اختیار محبتان و پیروان ایشان قرار دهد.

از جمله جنبه‌های بارز زندگانی آن حضرت، مواجهه با مظلومیت و شهادت پدر، مادر و برادران بزرگوارشان - که همگی مصداق اتم آیه تطهیر (احزاب/۳۳) بودند (قمی، ۱۳۶۷: ۱۹۳/۲) - بود؛ چنان‌که اوج مصائب آن حضرت، حادثه کربلا و به شهادت رسیدن برادر گرانقدر ایشان، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و یاران با وفای ایشان و اسارت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است (محلّاتی، بی تا: ۴۶). ایشان با پسرعموی خود «عبدالله بن جعفر» ازدواج کرد (شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۵۰) و ثمره این ازدواج، فرزندی بود که دو تن از آنها (محمد و عون) در کربلا به شهادت رسیدند (سماوی، ۱۳۸۹: ۱۰۴-۱۰۸). آن بانوی بزرگوار سرانجام در پانزدهم رجب سال ۶۲ ق. دارفانی را وداع گفت و در شام - البته از مدینه یا مصر نیز به عنوان مدفن ایشان نام برده‌اند - در خاک آرام گرفت (ارفع، ۱۳۷۷: ۱۰۱).

با توجه به حدیث ثقلین (کلینی، ۱۴۱۷: ۲/۴۱۵) آمیخته بودن قرآن با نفوس اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام امری بدیهی است. حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام نیز که در جوار مصادیق ناب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام رشد یافته، از معارف والای این کتاب آسمانی به بهترین شکل، توشه‌ها اندوخته است. آن چنان وجود حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام با قرآن آمیخته بود که علاوه بر تکلم به آیات قرآن، رفتار ایشان نیز از آیات قرآن سرمشق گرفته بود و ایشان با توجه به آموخته‌های خود، به برپایی جلسات تفسیر قرآن، اهتمام داشت (قائمی، ۱۳۷۶: ۱۲۴). از جنبه‌های برجسته تجلی قرآن در سیره ایشان، خطبه‌های حضرت در کوفه و شام است. نوشتار حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که واکاوی برجسته‌ترین دلایل، جنبه‌ها و نتایج تجلی آموزه‌های قرآنی در خطبه‌های حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام در کوفه و شام، چه آموزه‌هایی را به دست می‌دهد؟ شایان ذکر است که منظور از تجلی، همان گونه که از

معنای لغوی آن برمی آید، آشکار شدن و جلوه یافتن است (راغب، ۱۴۱۲: ۲۰).
تتبع نگارنده در میان کتاب ها و مقاله های انتشار یافته در مجلات معتبر علمی، بیانگران است که تنها یک کتاب با عنوان تجلی قرآن در کلام حضرت زینب علیها السلام، تألیف سید محمدعلی طباطبایی و یک مقاله با عنوان «بررسی استنادات قرآن حضرت زینب علیها السلام در دو خطبه کوفه و شام» به قلم اصغر طهماسبی به زیور طبع آراسته شده که نگارندگان آنها، اهتمام ارزشمندی در تبیین برخی از مطالب داشته اند. اما نگارش و نگرش مقاله حاضر ناظر به جنبه های درون متنی و برون متنی است، و همین وجه تمایز آن خواهد بود. هر چند که بازخوانی های مکرر از ابعاد واقعه عاشورا در قالب مباحث علمی، تاثیر ارزشمندی در درک افزون تر بعد شعوری قیام امام حسین علیه السلام خواهد داشت.

۱- دلایل تجلی آموزه های قرآنی در خطبه های حضرت

در پاسخ به این پرسش که چه عواملی موجب شد تا حضرت زینب علیها السلام در بخش وسیعی از بیانات خویش، از آیات و محتوای قرآنی استفاده کند، به نظر نگارنده دو علت زیر قابل تأمل است:

۱-۱- استفاده از نقطه مشترک برای هدایت و اتمام حجت

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از یک سو، برخی از اصحاب ایشان ضمن کنار نهادن آموزه های نبوی صلی الله علیه و آله پیرامون جانشینی حضرت علی علیه السلام - به ویژه در واقعه مشهور غدیر خم (امینی، ۱۳۹۷: ۷۳-۱۴۷) - مسیر هدایت مسلمانان را در واقعه سقیفه بنی ساعده (بنگرید به: یعقوبی، بی تا: ۱۲۳/۲) تغییر دادند و از سوی دیگر، فرقه های متعددی نیز شکل گرفتند که این امر را پیامبر صلی الله علیه و آله پیش بینی کرده بود (صدوق، ۱۳۶۲: ۵۸۵/۲). اما قرآن به عنوان نماد وحدت به شمار می رفت و اهتمام ویژه مسلمانان نسبت به آن، نقطه مشترک مسلمانان با گرایش های مختلف بود. بر این اساس، حضرت زینب علیها السلام در مقام هدایت افراد غافل و اتمام حجت با سران کفر، با استفاده های متعدد از آیات قرآن کریم، وجدان افراد را مورد خطاب قرار داد، تا بتواند مسیر هدایت برخی از افراد را هموارتر سازد و سران کفر و شرک را از پیامدهای کارهایشان بیم دهد.

۱-۲- نفی تبلیغ دستگاه تبلیغاتی اموی در خارجی دانستن امام حسین علیه السلام

برای درک بهتر چگونگی عملکرد اموی‌ها در برابر امام علی علیه السلام و شیعیان ایشان و شرایط شام در روزگار حضرت، تأملی در تاسیس رژیم اموی و فعالیت‌های برجسته آن، بایسته است. خلافت اموی‌ها از سال ۴۱ ق به دست معاویه بن ابی سفیان شکل گرفت (یعقوبی، بی تا: ۲/۲۱۶). معاویه خلیفه‌ای بود که نه مسلمانان او را در مسلک خلفای پیشین می‌دیدند و نه حتی شهرت نیکی داشت. در واقع، بسیاری از مسلمانان، بیعت با او به عنوان خلیفه را متصور نبودند، چنان‌که بیعت با او در کوفه با اجبار انجام شد (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱/۴۱). بدون شک، شیعیان و محبان حضرت علی علیه السلام از جمله دشمنان اصلی معاویه بودند و بدین‌رو، معاویه و کارگزارانش به شکل‌های مختلف با این جریان برخورد کردند. از جمله اقدامات نظام اموی، دستور به سب حضرت علی علیه السلام بر منابر (بنگرید به: نویری، ۱۴۲۳: ۲۱/۳۵۸) و رواج یافتن این امر بود (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۱/۷۳) تا از این طریق، برای حذف چهره امام علی علیه السلام از جامعه تلاش نمایند. جعل حدیث بر ضد حضرت علی علیه السلام نیز در این راستا بود (بنگرید به: ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۴/۶۴).

نظام اموی تنها با مبارزان علوی در ستیز نبود، بلکه با هر کس که از نسل علی بن ابی طالب علیه السلام و از پیروان حضرتش و وفادار به آرمان‌های نهضت انسانی اسلام بود، به مخاصمه بر می‌خاست؛ به عنوان نمونه، معاویه در نامه‌ای خطاب به کارگزارانش چنین نوشت: «هر کس را متهم کردید که از شیعیان است و شهادی هم درباره او نبود، به قتل برسانید» (سلیم بن قیس هلالی، ۱۴۰۵: ۴۶۰). همچنین برادرش در بصره و کوفه، شیعیان را در هر نقطه‌ای شناسایی کرد، انواع بلارا بر آنان روا داشت، به طوری که در آن منطقه، شخص مشهوری از شیعه نماند مگر آنکه کشته شد یا به دار آویخته شد و یا فراری شد (همان ۴۵۷-۴۵۸).

پس از معاویه، فرزندش یزید - که اعمال فاسد وی مشهور بود (بلاذری، ۱۴۱۷: ۵/۲۹۷) - خود را خلیفه مسلمانان خواند (بنگرید به: ابن قتیبه، ۱۴۱۳: ۱/۲۲۴) و مانند پدرش از هر گونه آزار شیعیان حضرت علی علیه السلام دریغ نوزید که اوج آن فعالیت‌ها در به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام بود (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۸/۲۲۱). یزید برای توجیه اقدام خود، امام حسین علیه السلام

را خارج از دین خواند (قمی، ۱۳۶۸: ۹۱/۱) و خاندان وی را به عنوان افراد خارجی در کوفه و شام گرداند.

بدین سان مشخص می شود برخلاف کوفه که زمانی محل زندگی و حکومت حضرت علی علیه السلام بود (براقي نجفی، ۱۴۲۴: ۱۰۶)، مردم شام دین اسلام را با معاویه شناخته بودند و براساس آموزه های آنها، امام علی علیه السلام و خاندانش، افرادی خارج از دین به شمار می رفتند و کشتن ایشان نیز از واجبات تلقی می شد! حضرت زینب علیه السلام با تکلم به قرآن، درصدد نفی این دیدگاه بود و با توجه به نتیجه ای که در تاریخ ذکر شده (به عنوان نمونه بنگرید به: ابن قتیبه، ۱۴۱۳: ۶/۲) ایشان در این امر بسیار موفق بود.

۲- جنبه های تجلی آموزه های قرآنی در خطبه های حضرت

حضرت زینب علیه السلام فردی بلیغ و حکیم بود و ضمن رعایت مقتضای حال مخاطب، پیام خود را به بهترین وجه منتقل می کرد که از نمونه های شاخص آن می توان به خطبه های کوفه و شام اشاره کرد.

۱-۲- خطبه حضرت زینب علیه السلام در کوفه

برای بررسی خطبه آن حضرت در کوفه (قمی، ۱۳۸۶: ۳۵۲)، توجه به فضای حاکم در زمان ورود آن حضرت به شهر مذکور، امری بایسته است. حضرت زینب علیه السلام در حالی که در مقابل دیدگانش، عزیزترین افراد خاندانش را ناجوانمردانه به شهادت رسانده اند و در جوار سرهای مبارک شهدای کربلا، پای به عرصه شهری نهاده اند که مردمانش با دعوت اولیه از حضرت اباعبدالله علیه السلام و سپس عدم همراهی ایشان، آن فاجعه را آفریدند و اکنون در حال برپایی جشن در استقبال از اسرا هستند (همان جا).

۱-۱-۲- نکوهش عهدشکنی

حضرت زینب علیه السلام پس از حمد الهی و ذکر صلوات بر خاندان پیامبر صلوات الله علیه و آله، در مهم ترین بخش ابتدایی خطبه خویش، بر نکوهش مردم کوفه در عهد شکنی آنها تأکید می فرماید:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَصَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةِ أَنْكَاثًا تَتَخَذُونَ آيْمَانَكُمْ دَخْلًا بَيْنَكُمْ...﴾

(نحل/۹۲)؛ «همانند آن زن (سبک مغز) نباشید که پشم‌های تاییده خود را پس از استحکام و امی‌تایید در حالی که سوگند (و پیمان) خود را وسیله خیانت و فساد قرار می‌دهید...»

مراد از زن مذکور، فردی از قریش به نام «رابطه بنت سعید» است که در زمان جاهلیت از صبح تا نیم روز، خود و کنیزانش، پشم‌ها و موهایی را که در اختیار داشتند، می‌تاییدند و پس از آن دستور می‌داد همه آنها را و تابند و به همین سبب به عنوان «حمقاء» (زن احمق) در میان عرب معروف شده بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۵۸۹).

این آیه، بر دو نکته تاکید دارد: یکی وفای به عهد به عنوان ضامن ثبات اجتماعی و دیگری ضعف شخصیتی به عنوان عاملی برای پایبند نبودن به سوگندها. آیه شریفه در حقیقت بازگشتی به گذشته مردم کوفه و تناقض آشکار موجود در آن دارد، آنجا که با ارسال نامه‌های پیایی، ضمن بیعت با امام حسین علیه السلام، حمایت خود را در برپایی حکومت حق اعلام داشتند و از سوی دیگر هنگام کارزار، با ارباب و تطمیعی که دستگاه خلافت انجام داد، عهد خود را نادیده گرفته، خیانت را بر بندل جان و مال و جهاد در راه خدا ترجیح دادند.

۲-۱-۲- نقش اعمال در تعیین سرنوشت انسان

در بخش‌های بعدی، حضرت پس از ذکر ردایل اخلاقی مردم کوفه، به سرنوشت بد آنها در دنیا و آخرت که در نتیجه اعمال زشت آنها رقم خواهد خورد، تأکید دارد و این در واقع اشاره‌ای است به از پیش فرستادن اعمال و نقش آنها در سرنوشت انسان، چنان‌که در تعدادی از آیات قرآن به آن تاکید شده است (به عنوان بنگرید به: نک: حشر/۱۸؛ جمعه/۷؛ نبأ/۴۰).

۲-۱-۳- عدم نفی باطل، زمینه ساز ضلالت

سپس ایشان، محتوم بودن عذاب سخت خداوند و جاودانگی در آن را برای مردم آن سرزمین بیان می‌دارد:

﴿...أَنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ﴾ (مائده/۸۰)؛ «... نتیجه آن (اعمال

بد از پیش فرستاده)، خشم خداوند است و آنها در عذاب (الهی) جاودانه خواهند ماند.»
 با نگاهی به قسمت ابتدایی این آیه - «تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ...» - دو نکته مشخص می‌گردد: یکی، دوست داشتن کافران و دیگری، از پیش فرستادن اعمال که بدان اشاره شد. نتیجه قابل تأمل از این آیه آن است که متنفر بودن از باطل به تنهایی کافی نیست و چنانچه نسبت به نهی آن اقدامی نگردد، باطل به تدریج با قلب و جان فرد آمیخته می‌شود و کار را بدانجا می‌کشاند که خود آن فرد، به سپاه باطل می‌پیوندد.

۲-۴- گریه و رنج مداوم، نتیجه کردار کوفیان

سپس حضرت در بخش بعدی خطبه، ضمن ابراز تعجب از گریه‌های کوفیان، به بیان سزای اعمال آنها می‌پردازد و با اشاره به آیه «فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَ لْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (توبه/۸۲) مجازات آنها را از خداوند می‌خواهد.

عده‌ای از مفسران بر این عقیده‌اند که منافقان، مجازات دردناکی در پیش دارند که اگر از آن آگاه شوند، بسیار گریه خواهند کرد و کمتر می‌خندند؛ گروه دیگری از مفسران بیان می‌دارند که منافقان هر قدر بخندند با توجه به عمر کوتاه دنیا، خنده آنان کم خواهد بود و در آخرت آن قدر باید گریه کنند که گریه‌های دنیا در برابر آن ناچیز است. البته با توجه به ظاهر آیه و تعبیرات مشابه آن که در گفته‌ها و نوشته‌ها می‌آید، احتمال اول سازگارتر است. در انتهای آیه نیز می‌فرماید که این جزای اعمالی است که آنها انجام می‌دادند (مکارم، ۱۳۷۴: ۸/۶۴).

گریستن مردم کوفه می‌بایست دائمی باشد؛ زیرا مجازات دردناک در انتظار آنهاست و از سوی دیگر، سرمایه عمر را از دست داده و رسوایی را برای خود خریده‌اند که این امر از منش منافقانه مردم کوفه سرچشمه می‌گیرد؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام نیز به بی‌ثباتی کوفیان اشاره فرموده است (احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۲/۱۰۸).

۲-۱-۵- باور نداشتن به وقوع قیامت، زمینه‌ساز عهد شکنی

در ادامه، حضرت زینب علیها السلام لکه ننگینی را که از خیانت به امام حسین علیه السلام بردامان

مردم کوفه بر جا مانده، یادآور می شود و ضمن بیان فضایل آن امام، آنان را متوجه جرم بزرگشان می گرداند: «... أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ» (انعام/۳۱؛ نحل/۲۵)؛ «چه بد باری بردوش خواهند داشت!».

تأمل در ابتدای دو آیه مذکور، بیانگر دو نکته است:

۱- ایمان به معاد علاوه بر اینکه انسان را برای زندگی جاویدان آماده می کند و او را به تحصیل کمال فرامی خواند، اثر عمیقی در کنترل انسان در برابر گناهان دارد (مکارم، ۱۳۷۴: ۲۰۶/۵). بدین رو، کسی که به روز قیامت اعتقادی نداشته باشد، بدون شک در رفتار و گفتار خود، چیزی به جز هوای نفس را معیار قرار نخواهد داد. این امر، در واقعه عهدشکنی کوفیان آشکار است.

۲- سران مشرکان در روز قیامت، هم تمامی بار گناه خود و هم بار گناه آن افرادی را که از راه حق گمراه کرده بودند، بردوش می کشند (طوسی، بی تا: ۳۷۳/۶)؛ یعنی عذاب سران شرک که در برابر امام حسین علیه السلام عهدشکنی کرده و مردم رابه این امر واداشته اند، دوچندان خواهد بود.

۲-۱-۶- شباهت کوفیان و یهویمان

حضرت زینب علیها السلام در ادامه خطبه خویش، نفرین های خود را بیش از پیش می سازد و با اشاره به آیه «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ» (مسد/۱)، بریده بودن دست های کوفیان را از خداوند مٹان خواستار می شود؛ همان دستانی که دعوتنامه ها را نوشتند و اظهار حمایت کردند؛ ولی در زمان مقتضی در همراهی حضرت اباعبدالله علیه السلام به حرکت در نیامدند.

پس از آن، حضرت زینب علیها السلام با اشاره به آیه «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ وَ بَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ...» (بقره/۶۱)، به کوفیان یادآور می شود که آنها با آن اعمال ننگین، خود را مستحق غضب خدا کرده اند. این آیه به درخواست قوم بنی اسرائیل از حضرت موسی علیه السلام اشاره دارد مبنی بر اینکه به جای بیابان نشینی و استفاده از یک نوع غذا، خداوند غذاهای متنوع و استفاده از مواهب شهرنشینی را نصیب آن قوم نماید، در حالی که این درخواست برخلاف خواست الهی بود؛ زیرا بیابان نشینی موجب کمال آنها

می‌گشت و از سوی دیگر، آنها علاقه‌ای به جهاد با دشمنانی که در شهر بودند، نداشتند. آنها با این افزون‌خواهی و تنوع‌طلبی، در مقابل خواست خداوند نافرمانی کردند و با دو عمل خود که بی‌اعتنایی به آیات الهی و به شهادت رساندن پیامبران الهی (حضرت زکریا و حضرت یحیی علیهما السلام) (بنگرید به: بحرانی، ۱۴۱۶: ۵/۱۴) بود، مُهر ذلت و نیازمندی بر پیشانی آنها نواخته شد و خود را مستحق غضب خدا نمودند (بانوامین، ۱۳۶۱، ۱/۳۴۷-۳۴۸).

در این میان، شباهت عجیبی میان مردم کوفه و قوم بنی اسرائیل وجود دارد؛ زیرا کوفیان نیز مرتکب این دو گناه عظیم، البته با تفاوت در مصداق شدند. از سویی آیات الهی را در خصوص قیام برای خدا (سبأ/۴۶)، امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران/۱۰۴) و امید به امداد الهی (آل عمران/۷) نادیده انگاشتند و از سوی دیگر با حمایت نکردن از حجت خدا بر روی زمین، زمینه به شهادت رساندن ایشان را فراهم کردند؛ بنابراین آنها نیز مستحق غضب الهی و ذلت گردیدند.

۷-۱-۲- نفی ولایت ائمه، متزلزل کننده ارکان هستی

حضرت زینب علیها السلام در ادامه بر اساس آیه «لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا * تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا» (مریم/۸۹-۹۰) به میزان ناپسندی اعمال مردم کوفه اشاره می‌فرماید. آیه به سخن بت‌پرستان اشاره دارد که برای خداوند (نعوذ بالله) فرزندی قائل شده‌اند. حضرت زینب علیها السلام نیز اعمال ننگین کوفیان را - که دنیا را بتی برای خود قرار داده‌اند - همانند زشتی سخن کافران می‌داند و همان نتیجه‌ای را که قرآن برای سخن ناپسند کافران بیان می‌دارد، برای اعمال کوفیان متصور می‌شود. از آنجا که خداوند، بی‌نیاز از مختصات و احتیاجات عالم ماده است، عالم هستی که بنایش بر توحید است از آن نسبت ناروای کافران در وحشت و اضطراب فرو می‌رود؛ به همان نسبت نیز از اعمال کوفیان، لرزه بر ارکان هستی می‌افتد؛ زیرا نفی امامت نیز موجب می‌گردد تا توحید در جایگاه حقیقی خود قرار نگیرد؛ چنان‌که اهل بیت علیهم السلام به این نکته اشاره کرده‌اند که شاهد مشهور آن، حدیث سلسله الذهب از امام رضا علیه السلام است (صدوق، ۱۳۷۸: ۲/۱۳۵).

آن حضرت در ادامه خطبه خود با بلاغت تمام و بیان جملاتی پرمحتوا، پیایی تازیان‌های توییخ را بر قلوب زنگار زده کوفیان فرود می‌آورد تا شاید غبار گناه و غفلت کنار رود و حقیقت امور آشکار گردد. بر اثر همین خطبه است که کوفه منقلب می‌گردد و صدای شیون و ناله برگستره شهر طنین انداز می‌شود (قمی، ۱۳۸۶: ۳۵۴).

۲-۲- بررسی خطبه حضرت زینب علیها السلام در شام

مجلسی که یزید به مناسبت توهم موفقیت بزرگ خود در شهر شام برپا کرده بود، حکایت قابل تأمل تری دارد؛ زیرا همان طور که اشاره شد، در آن سرزمین، پس از سال‌ها فرمانروایی معاویه و برنامه‌های گوناگون وی در تخریب جایگاه و وجهه حضرت علی علیه السلام و خاندان گرامی ایشان، غرابت عجیبی بر فضا حاکم بود؛ از سوی دیگر حضور سران کشور (سردمداران بنی امیه) و نمایندگان ملل خارجی نیز بر اهمیت مجلس افزوده بود.

مجلس شام با گفتار و کردار ناپسند شخص یزید آغاز شد، آنجا که با اشعاری کفرآمیز، ندا برآورد: ای کاش اجداد مشرک که در جنگ بدر به دست پیامبر و یارانش کشته شده بودند، اینک در این مجلس حضور می‌داشتند و می‌دیدند که من چگونه انتقام آنها را از فرزندان محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام گرفتم و اگر آنان عمل مرا می‌دیدند، قطعاً می‌گفتند: یزید دستت درد نکند که چه خوب آنها را کشتی و ... سپس با بیان «لَعِبْتَ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا خَيْرَ جَاءَ وَلَا وَحَى نَزَلَ»، مسئله وحی و نبوت را به سخره گرفت (ابو مخنف کوفی، ۱۴۱۷: ۲۶۸).

یزید با این گفتار و کردار، باطن نفاق آلود خود را به طور کامل آشکار کرد؛ زیرا او که ادعای خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله را داشت، با نفی نبوت و وحی و ابراز تنفر از جنگ‌های صدر اسلام، علاوه بر اعلان علی کافر بودن خویش، غصبی بودن جایگاه خلافتش را نیز اثبات کرد.

۲-۲-۱- محقق شدن وعده عذاب الهی

آن حضرت که یزید را مست دنیاخواهی می‌دید، پس از حمد الهی و صلوات بر

پیامبر ﷺ و خاندان مطهرش، با اشاره به آیه «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْءَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ» (روم/۱۰) آن گفتار کفرآمیز یزید را مطابق با وعده الهی می‌داند که بر اساس آن، در اثر افزایش گناهان و عدم استغفار از آنها، روح ایمان از بین می‌رود. این پستی کار را به جایی می‌رساند که انسان، آیات الهی را تکذیب می‌کند و از آن هم فراتر می‌رود و او را به استهزاء پیامبران و آیات الهی و می‌دارد و به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر هیچ اندازی در او مؤثر نیست و جز عذاب دردناک الهی راهی باقی نمی‌ماند (مکارم، ۱۳۷۴ش: ۱۶/۳۷۵).

سپس یزید را این‌گونه سرزنش می‌کند: «آیا گمان می‌کنی با اسیر نمودن ما، آسمان‌ها و زمین بر ما تنگ شده، ما نزد خداوند خوار شده ایم و تو منزلت یافته‌ای؟ آیا پنداشته‌ای که دنیا را مطابق میل خود می‌کنی، در حالی که مقامی را که شایسته ماست، غصب نموده‌ای؟» (قمی، ۱۳۸۶: ۴۰۸-۴۱۲).

۲-۲-۲- یادآوری سنت املاء و امهال به یزید

حضرت در ادامه خطبه خود با اشاره به آیه «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (آل عمران/۱۷۸) با عنایت به سنت «املاء و امهال» به یزید یادآور می‌شود که این خوشی‌های ظاهری و قدرت‌نمایی‌ها ماندگار نیست، بلکه مکر خداوند است تا کافران بر گناهان خود بیفزایند و عذاب خود را دردناک‌تر کنند.

رحمت خداوند می‌طلبد حتی افراد گناهکار نیز با بلاها و کیف‌های دنیوی متنبه شوند، اما آنجا که گناه مجالی برای بازگشت به صراط الهی نمی‌گذارد، مهلت الهی برای افزایش گناهان و در نتیجه عذاب اخروی است. به علاوه از بعضی از آیات قرآن استفاده می‌شود که خداوند گاهی به این‌گونه افراد، نعمت فراوانی می‌دهد و هنگامی که غرق لذت پیروزی و سرور شدند، ناگهان همه چیز را از آنان می‌گیرد تا حداکثر شکنجه را در زندگی همین دنیا ببینند؛ زیرا جدا شدن از چنین زندگی مرفهی، بسیار ناراحت‌کننده است (انعام/۴۴)؛ مانند یزید که با به شهادت رساندن امام حسین (علیه السلام) در ذهن خود خیال پادشاهی جاودانه‌ای را می‌پروراند، اما تنها سه سال پس از شهادت آن حضرت، زندگانی

ننگینش به پایان رسید (قمی، ۱۳۸۶ ش: ۵۸۳).

۲-۲-۳- سرزنش کردار و گفتار دوگانه یزید

حضرت پس از آن، یزید را نکوهش می‌کند که چگونه زنان خود را پرده‌نشین کرده، اما زنان اهل حرم آل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در معرض دید نامحرمان قرار داده است، در حالی که پوشش‌های آنان را به غارت برده و سرپرستی آنها را همراهی نمی‌کند. می‌توان این نکته را به عنوان جنبه‌ای از این فرمایش حضرت بیان داشت که به رغم ادعای یزید مبنی بر جانشینی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، این اقدامات وی موجب توهین به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندانش و بر خلاف آموزه‌های قرآنی - «... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (سوری/۲۳) - و تأکیدات نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. آن حضرت این روحیه یزید را علاوه بر نفاق، ناشی از حس انتقام جویی و کینه‌ورزی وی و امری طبیعی می‌داند؛ زیرا مادر وی نیز در جنگ أحد از پاره‌های جگر حمزه سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام خورده و گوشت و وجود یزید از آن رشد یافته است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴/۲۸۷).

۲-۲-۴- شهیدان راه حق، جاودانه‌های آفرینش

در جواب سخنان یزید که وحی و نبوت را نفی و با تمسخر آسرا، وجود مبارک سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام را نابود شده فرض کرده بود، حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام آیه شریفه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران/۱۶۹) را تلاوت می‌فرماید و این کلام، اوج بیان آن حضرت در اعلان دنائت و دفع توهم از یزید است؛ زیرا زرق و برق حکومت پوشالی وی را گوشزد می‌کند و از سوی دیگر اعلام می‌دارد که به رغم نقشه‌هایش، به اراده الهی، خاندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جوار ثقل دیگرش قرآن، تا روز قیامت هدایتگر افراد جویای هدایت خواهند ماند (صف/۸)، اما از یزید و امثال وی، چیزی به جز ننگ بر جای نخواهد ماند. در واقع آن حیاتی که خداوند در آیه مبارکه بدان اشاره فرموده، همان حیات برزخی است که برای شهیدان در اوج نعمت‌های مادی و معنوی قرار دارد، به قدری که گویا زندگی دیگر برزخیان در مقابل آنها چیزی نیست (طبری، ۱۴۱۲: ۴/۱۱۳).

۲-۲-۵. قیامت، میعاد ظالم و مظلوم

آن حضرت، در بخش‌های بعدی خطبه نیز روز قیامت را به یزید یادآور می‌گردد و بیان می‌دارد که در آن روز، خداوند، حاکم است و شاکی، حضرت محمد ﷺ و پشتیبان او، حضرت جبرئیل ﷺ خواهد بود. بار دیگر توییح در کلام حضرت موج می‌زند و با تلاوت ﴿... وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَمِيدِ﴾ (فصلت/۴۶) دادگاه عدل الهی را بهترین جایگاه برای دادخواهی از او و دربار ظالمش می‌داند.

۲-۲-۶. اختیار، اصل اول تکلیف مداری

با تأملی در ابتدای آیه ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا...﴾ (فصلت/۴۶) باز هم بازگشت اعمال در آخرت و تعیین سرنوشت انسان توسط اعمال خود، مورد تأکید قرار می‌گیرد. در واقع این آیه بیانگر نفی جبرگرایی و مبین آزادی اختیار و اراده است و همگان را در برابر اعمالشان مسئول می‌شمرد و نتایج اعمال هرکس را در درجه اول متوجه خود او می‌داند.

بیان این آیه پرده دیگری از جهالت یزید و دستگاه خلافتش را برمی‌دارد، آنجا که اعمال ننگین خود را به خدا نسبت می‌دهند و سعی در رفع مسئولیت از خود را دارند؛ به عنوان نمونه ابن زیاد در مجلسی که به افتخار پیروزی اش ترتیب داده بود، به امام سجاد ﷺ رو کرد و گفت: او کیست؟
گفتند: علی بن الحسین است.

ابن زیاد گفت: علی بن الحسین را خداوند در کربلا نکشت، مگر نه؟

امام سجاد ﷺ فرمود: برادری داشتم به نام علی که لشکریان تو او را کشتند.

ابن زیاد گفت: خدای او را کشت!

امام ﷺ فرمود: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا...﴾ (زمر/۴۲)؛ «خداوند ارواح را به هنگام

مرگ قبض می‌کند!»

این جواب قاطعانه حضرت زین العابدین ﷺ چنان برای ابن زیاد گران آمد که دستور قتل امام را صادر کرد که با مقاومت حضرت زینب ﷺ، ابن زیاد از دستور خود منصرف

۲-۷- عذاب الهی، عاقبت ظالم و شریکانش

در بخش‌های پایانی خطبه، بار دیگر روز قیامت مطرح می‌شود و حضرت زینب علیها السلام سرنوشت محتوم یزید و اطرافیانش را - که در بخش‌هایی از خطبه، ایشان به عنوان عوامل اصلی تحریک یزید به هتک حرمت و کشتار بی‌رحمانه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی شده‌اند- با قرائت بخش پایانی آیه ۱۸ سوره مبارکه هود ﴿...أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ بیان می‌دارند.

با نگاهی به ابتدای آیه - ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ...﴾ - و بررسی آرای مفسران در خصوص آن، به نکته قابل تأملی می‌رسیم؛ چنانچه کسی مانند یزید با نفاق خود، سعی در فریب مردم داشته باشد، سرانجام نیت واقعی‌اش برملا می‌گردد و نهی و کفرورزیدن به وحی، قرآن و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، عاقبتی جز لعنت و دور شدن از بارگاه رحمت الهی و مستقر شدن در دردناک‌ترین عذاب‌ها نخواهد داشت (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶/۲۳۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰/۱۸۸).

۲-۸- خداوند، یگانه پناه مظلوم

حضرت زینب علیها السلام خطبه خود را با حمد الهی - به سبب سعادت و شهادتی که نصیب خاندان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله کرده است - به پایان می‌رساند و حُسن ختام خطبه ماندگار خویش را با اشاره به بخشی از دو آیه قرآن کریم ﴿...إِنَّ رَبِّيَ رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾ (هود/۹۰) و ﴿...وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران/۱۷۳) با تاکید بر رحمت و حمایت الهی قرین می‌سازد.

دو آیه پایانی سخنان آگاهی‌بخش ایشان، حامل کلماتی آرامش‌بخش و روحیه‌ساز است؛ زیرا از یک سو، سخن از رحمت خاصه الهی است - البته قید بندگان توبه‌کار، دور از شأن اهل بیت علیهم السلام است و در واقع خطاب آن به تمام انسان‌هاست - و از سوی دیگر نمایش اوج ایمان است که به‌رغم تمام قدرت‌های ظاهری، تنها نقطه اتکال و آرامش را

خداوند متّان می داند و این امر، کمال روحی حضرت زینب علیها السلام را نمایان می سازد.

۳- نتایج تجلی آیات قرآن در خطبه های حضرت

خطبه های حضرت زینب علیها السلام نتایج زیر را به بار آورد:

۳-۱- برملا شدن چهره منافقانه یزید و اطرافیان او

مردمی که یزید را جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله می دانستند، با سخنان و اعمالی از وی روبه رو گردیدند که نافی سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و بر خلاف آیات قرآن بود. همچنین به رغم تلاش های تبلیغاتی حکومت در تخریب چهره اسرا و معرفی آنها به عنوان خارج شوندهگان از دین و شورش کنندگان علیه خلیفه مسلمانان، استفاده های مکرر حضرت زینب علیها السلام از آیات قرآن در نفی عقاید و اعمال یزید، بیش از پیش در آشکار شدن چهره حقیقی خلیفه دروغین مؤثر افتاد.

۳-۲- یادآوری مجدد حدیث ثقلین و تأکید مجدد بر شایستگی آل پیامبر علیهم السلام برای

جانشینی ایشان

در این میان، افراد مُسن تر که خود در غدیر خم حضور داشتند یا آن واقعه را از پدران خود شنیده بودند، بیعت مسلمانان با امام علی علیه السلام را به یاد آوردند؛ خلیفه ای که چند سالی را نیز در شهر کوفه به رهبری مردم پرداخت. همچنین حدیث مشهور ثقلین دوباره در اذهان مردم متبلور شد، آنجا که پیامبر صلی الله علیه و آله دو ودیعه گران بهای خود را در میان مسلمانان بیان می دارد و بر عدم جدایی آنها تا روز قیامت تأکید می کند؛ آن دو امانت راهبر و راهگشا، همان قرآن کریم و اهل بیت معظم ایشان علیهم السلام هستند که در آن روز، بنی امیه و در آغاز امر، خلفای ثلاثه با نادیده انگاشتن هر دو موضوع مهم گذشته (واقعه غدیر خم و حدیث ثقلین)، مسلمانان را از رهبری امامان حق محروم کرده بودند.

۳-۳- اصلاح نگرش و جهان بینی مردم با یادآور شدن سرانجام دو گروه حق و باطل

از دیگر نتایج مهم، تغییر فضای فکری مردم بود. از زمان حکمرانی معاویه، رواج روایات جعلی فراوان در تخریب چهره حضرت علی علیه السلام و خاندان و یاران ایشان و موجّه

جلوه دادن اعمال و گفتار معاویه، فضای فکری مسمومی به خصوص در مردم سرزمین شام ایجاد کرده بود. در ساختار فکری مردم، توجه بیش از حد به دنیا، امری ممدوح و مورد توجه دین بر شمرده می شد و با سرگرم کردن مردم، توانایی تشخیص اهل باطل از اهل حق از آنان زدوده شده بود؛ اما با شاخصه هایی که حضرت زینب علیها السلام بیان فرمودند، ملاک حقیقی ماندگاری و عاقبت اهل حق و باطل در اذهان مردم شکل گرفت و این امر، مردم را از تبعیت محض امویان رهایی بخشید و موجبات سقوط بنی امیه را فراهم ساخت.

نتیجه گیری

- ۱- فهم مقتضای حال مخاطب و استفاده از کلمات و آیات متناسب با آن، از توانمندی های ارزشمند حضرت زینب علیها السلام می باشد و تجلی آیات نورانی قرآن در سخنان ایشان، نتیجه تربیت آسمانی و انس همیشگی ایشان با قرآن کریم است.
- ۲- دلایل تجلی قرآن در بیانات آن حضرت را می توان دو عامل مهم «نفی تبلیغات دستگاه اموی در خارجی دانستن خاندان امام حسین علیه السلام» و «استفاده از نقطه مشترک برای هدایت و اتمام حجت» دانست.
- ۳- جنبه های تجلی آموزه های قرآنی در خطبه ایراد شده در شهر کوفه برای بیان «نکوهش عهدشکنی»، «نقش اعمال در تعیین سرنوشت انسان»، «عدم نفی باطل، زمینه ساز ضلالت»، «گریه ورنج مداوم، نتیجه کردار کوفیان»، «باور نداشتن به وقوع قیامت، زمینه ساز عهدشکنی»، «شبهات کوفیان و یهودیان» و «نفی ولایت ائمه، متزلزل کننده ارکان هستی» و در خطبه ایراد شده در شهر شام برای بیان «محقق شدن وعده عذاب الهی»، «یادآوری سنت املاء و امهال به یزید»، «سرزنش کردار و گفتار دوگانه یزید»، «شهیدان راه حق، جاودانه های آفرینش»، «قیامت، میعاد ظالم و مظلوم»، «اختیار، اصل اول تکلیف مداری»، «عذاب الهی، عاقبت ظالم و شریکانش» و «خداوند، یگانه پناه مظلوم» است.
- ۴- می توان از «برملا شدن چهره منافقانه یزید و اطرافیان او»، «یادآوری مجدد

شایستگی آل پیامبر ﷺ برای ولایت و حکومت» و «اصلاح نگرش و جهان بینی مردم» به عنوان برجسته ترین نتایج تجلی قرآن در بیانات حضرت زینب ﷺ نام برد.

منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیة، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، مکتبة آية الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش.
۵. _____، عیون أخبار الرضا ﷺ، تحقیق مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۶. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۷. ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم، الامامة والسیاسة المعروف ب(تاریخ الخلفاء)، انتشارات شریف الرضی، قم، ۱۴۱۳ ق.
۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، البدایة والنهاية، تحقیق علی شیری، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. ابوالفرج اصفهانی، علی بن عباس، مقاتل الطالبیین، تحقیق کاظم مظفر، دارالکتاب للطباعة والنشر، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.
۱۱. ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطف، تحقیق محمد هادی یوسفی غروی، جامعه مدرسین، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۷ ق.
۱۲. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمة ﷺ، تحقیق مجتبی فرجی، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۶ ق.
۱۳. ارفع، سید کاظم، حضرت زینب ﷺ (سیره عملی اهل بیت ﷺ)، کامران، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۴. امینی، عبدالحسین، الغدیر، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۳۹۷ ق.
۱۵. انصاری، عبدالرحمان، پیام زینب ﷺ، زمینه سازان ظهور، قم، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. بانوامین، سیده نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن. نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ ش.

۱۷. بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر قرآن*، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق.
۱۸. براقی نجفی، سید حسین بن سید احمد، *تاریخ الکوفه*، انتشارات المكتبة الحیدریة، بی جا، ۱۴۲۴ق.
۱۹. بلاذری، احمد بن یحیی، *جمل من انساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۲۰. بنت شاطی، عایشه عبدالرحمان، *بانوی کربلا، زینب دختر زهرا علیها السلام*، ترجمه سید رضا صدر، کتابفروشی ابن سینا، تهران، ۱۳۳۶ش.
۲۱. جزائری، سید نورالدین، *خصایص زینبیه*، حضرت مهدی (عج)، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۲ش.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دارالعلم - دارالشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۲۳. سلیم بن قیس هلالی، *اسرار آل محمد*، تصحیح محمد انصاری زنجانی، انتشارات الهادی، قم، ۱۴۰۵ق.
۲۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، تصحیح صبحی صالح، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۵. شیرازی، علی، *زنان نمونه*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ش.
۲۶. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۷ق.
۲۷. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، تحقیق محمد باقر خراسان، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۳۰. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، *التنبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد قصیر عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، هجرت، قم، ۱۴۱۰ق.
۳۳. قائمی، علی، *زندگانی حضرت زینب علیها السلام (رسالتی از خون و پیام)*، امیری، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۶ش.
۳۴. قمی، شیخ عباس، *نفس المهموم*، انتشارات هجرت، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۶ش.
۳۵. _____، *الکنی واللقاب*، مکتبة الصدر، تهران، ۱۳۶۸ش.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، دارالکتاب، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۳۷. مجلسی، محمد تقی، *بحار الانوار*، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم،

- ۱۴۰۳ق.
۳۸. محلاتی، ذبیح الله، *ریاحین الشریعه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ش.
۳۹. مکارم، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.
۴۰. نویری، شهاب الدین، *نهاية الأرب فی فنون الأدب*، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، ۱۴۲۳ق.
۴۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*. دار صادر، بیروت، بی تا.